بسم الله الرحمن الرحيم

# بررسی ادله اقامه‌شده بر وجوب وفای به وعده

مبحث هجدهم در باب کذب بحث خلف وعده و بررسی ادله اقامه‌شده بر وجوب وفای به وعد و حرمت تخلف از وعد می‌باشد. در جلسات قبل چند آیه و روایت در این مورد مطرح شد که بیان شد از بین آن آیات دلالت آیه «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لاَ تَفْعَلُونَ»**(صف/2) بر وجوب وفای به وعد و همچنین برخی روایات تام می‌باشد. همچنین بیان شد که دلالت حکم عقلی اقامه‌شده و قاعده عامه المومنون عند الشروطهم بر وجوب وفای به وعد تام نیست.

# دلیل آخر: دلالت حرمت کذب بر وجوب وفای به وعد

دلیل دیگری که از باب یک قاعده عام و کلی بر وجوب وفای به وعد و حرمت تخلف از آن اقامه‌شده است و دلیل بر اینکه این بحث هم در ذیل باب کذب مطرح‌شده است این است که حرمت کذب بر حرمت تخلف از وعده و وجوب وفای به آن دلالت می‌کند. البته دو تقریر از این دلیل وجود دارد، تقریر اول این است که تخلف از وعده مصداق کذب است و تقریر دوم این است که تخلف از وعده به دلالت التزامیه مستلزم کذب می‌باشد.

## تقریر اول از دلیل: تخلف از وعده مصداق کذب

تقریر اول از این دلیل این است تخلف از وعده مصداق کذب است و وقتی تخلف از وعده مصداق کذب باشد پس حرام هم می‌باشد و وفای به آن واجب می‌باشد. طبق این دلیل، حرمت کذب به دلالت مطابقی بر حرمت تخلف از وعده و وجوب وفای به آن دلالت دارد.

### اشکال اول: تحقق کذب در جملات خبری نه انشایی

اشکالی که به این تقریر شده است این است که این تقریر تام نیست چون کذب در جملات خبرییه تحقق پیدا می‌کند ولی وعده و تخلف از آن از مقوله جملات خبری نیست بلکه از مقوله جملات انشائیه و ایجاد التزام و تعهد می‌باشد و همان‌طور که بیان شد کذب و صدق در این مقولات مطرح نمی‌شود آری گاهی کلمه صادق الوعد در برخی روایات واردشده است و یا آیاتی مانند **«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»**(احزاب/23)وجود دارد ولی کلمه صدق در این جملات به معنای عام آن‌که مطابقت قول و عمل می‌باشد، ولی در بحث حرمت کذب مراد از معنای صدق و کذب در جملات خبرییه که به معنای مطابقت و عدم مطابقت با واقع است، می‌باشد.

### اشکال دوم: عدم حرمت خلف وعده در برخی موارد طبق این تقریر

اشکال دومی که بر این تقریر وارد است این است که برفرض این‌که بپذیریم خلف وعده مصداق کذب است در این صورت این ادعا مستلزم این است که همیشه و در همه موارد خلف وعده حرام نباشد بلکه در برخی موارد خلف وعده حرام باشد به خاطر اینکه آنچه حرام است کذب مخبری و با قصد کذب است یعنی خلف وعده در مواردی که شخص وعده‌ای می‌دهد و قصد او هم عدم عمل به آن وعده می‌باشد، خلف وعده حرام است اما اگر در موردی شخصی وعده بدهد و قصد عمل به آن را هم هنگام وعده دادن داشته باشد ولی بعد به هر دلیلی بدا برای او حاصل شود و از انجام وعده منصرف شود، در این صورت، وفای به وعده واجب نیست و تخلف از آن نیز حرام نیست چون مصداق کذب مخبری با نیت و قصد نیست.

### رد اشکال اول: تطبیق کذب بر خلف وعده در برخی روایات

در پاسخ به این اشکالات ممکن است گفته شود در برخی روایات معتبر، کذب بر تخلف از وعده تطبیق داده‌شده است و خلف وعده را مصداقی از کذب دانسته‌اند، بنابراین این اشکال که خلف وعده چون وعده جمله خبری نیست پس کذب هم نیست، نمی‌تواند صحیح باشد.

#### پاسخ: عدم اجرای اصاله الحقیقه در کیفیت مراد

در پاسخ به ردی که بر اشکال اول شده است ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که اگر شک کردیم که مفهوم کذب بر تخلف از وعده صدق می‌کند یا نه آیا می‌توان با توجه به تطبیق کذب بر خلف وعده در برخی روایات و با تمسک به اصاله الحقیقه گفت که اصل این است که این تطبیق از باب حقیقت است نه مجاز؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت خیر زیرا همان‌طور که در کفایه نیز آمده است اصاله الحقیقه و دیگر اصول لفظی برای تعیین مراد وضع‌شده‌اند نه تعیین کیفیت اراده، صاحب کفایه در کفایه جمله دقیقی دارند ایشان می‌فرماید این اصول إنما وضعت لتعیین المراد لا لکیفیّت الإراده مثلاً اگر شخصی گفت جائنی اسد؛ نمی‌دانیم مقصود او شیر است (معنای حقیقی) یا رجل شجاع (مجاز)، در اینجا اصاله الحقیقه می‌گوید مراد گوینده حیوان مفترس است اما اگر بدانیم مراد او رجل شجاع است ولی ندانیم کیفیت استعمال، علی نحو الحقیقه است یا علی نحو المجاز، در این صورت اصول لفظیه جاری نمی‌شود و اصاله الحقیقه هیچ کاربردی ندارد. در محل بحث هم که امام کذب را بر خلف وعده تطبیق داده، نمی‌توان با تمسک به اصاله الحقیقه گفت که خلف وعده حقیقتاً مصداق کذب است؛ و از جهت دیگر هم با توجه بااینکه لحن روایات حکومت نیست نمی‌توان احکام کذب را بر خلف وعده حمل کرد.

##  تقریر دوم: وجود مدالیل التزامی خبری در وعد

تقریر دوم از حرمت تخلف از وعده از باب حرمت کذب این است که قبول داریم که وعده دادن از مقوله انشا است و به این معنا صدق و کذب در آن راه ندارد و تطبیق صدق و کذب بر آن از باب مجاز می‌باشد اما وعده دادن، دارای مدلول‌های التزامی و یا اقتضایی خبری هستند و از این باب می‌توانند مصداق صدق و کذب قرار بگیرند. وقتی شخصی وعده‌ای می‌دهد، دو چیز را می‌توان به‌عنوان مدلول التزامی وعده تصور کرد یکی اینکه اراده و تصمیم من (شخص وعده دهنده) این است و دیگری اینکه خبر می‌دهد در آینده این واقع می‌شود؛ و از این باب خلف وعده مصداق کذب واقع می‌شود.

### بررسی اشکالات وارده بر تقریر دوم

#### اشکال اول: عدم جریان کذب در مدالیل التزامی

اشکال اولی که به تقریر دوم واردشده است این است مدلول‌های التزامی مصداق صدق و کذب واقع نمی‌شوند. ظاهر کلام مرحوم امام نیز پذیرش همین مبنا می‌باشد.

#### پاسخ: مبنایی بودن این اشکال

این اشکال مبنایی می‌باشد و باید در جای خود بحث شود ولی به نظر ما مدالیل التزامی مانند مدالیل مطابقی مصداق صدق و کذب واقع می‌شوند.

#### اشکال دوم: اشکال صغروی و پاسخ آن

اشکال دومی که به تقریر دوم واردشده است، اشکال صغروی می‌باشد و مضمون آن این است که آنچه به‌عنوان مدالیل التزامی در این تقریر بیان‌شده است، وجود ندارد و وعده دادن بر آن‌ها دلالتی ندارد. در پاسخ به این اشکال باید گفت هرچند ممکن است که وعده دادن مستلزم این دلالت التزامی که حتماً این فعل و قول در آینده انجام می‌شود، نباشد و عرف چنین برداشتی را نداشته باشد اما مدلول التزامی اولی که بیان شد یعنی اینکه وعده دادن بدین معنا است که اراده و نیت من این است، وجود دارد و عرف هم‌چنین برداشت و تلقی را دارد.

#### اشکال سوم: عدم دلالت بر حرمت علی الاطلاق خلف وعده

اشکال سومی که بر این تقریر واردشده است این است که هرچند مدالیل التزامیه‌ای که برای وعده ذکر شد وجود دارند و مصداق صدق و کذب قرار می‌گیرند اما این دلیل مستلزم این نیست که تخلف از وعده به‌طور مطلق حرام می‌باشد بلکه درصورتی‌که شخص حین الوعد عزم بر تخلف و عدم وفا به وعد را داشته باشد و عرف نیز این برداشت را داشته باشد که اراده و نیت وعده دهنده بر انجام و وفا به وعد است، مصداق کذب واقع می‌شود اما اگر حین الوعد نیت و اراده وعده دهنده بر وفا به وعده باشد و عزم بر آن داشته باشد ولی بعد به هر دلیل منصرف شود در این صورت تخلف از وعده مصداق کذب نخواهد بود پس درواقع این دلیل دلالتی بر این ندارد که تخلف بماهو تخلف حرام است بلکه ازاین‌جهت که مدلول التزامی آن مصداق کذب واقع‌شده است، حرام می‌باشد و آنچه موضوعیت دارد و باید ملاحظه شود عزم است و آنچه حرام است عدم عزم است. پس دلیل اخص از مدعا می‌باشد. این اشکال را آقای خویی. تبریزی بیان کرده‌اند.

#### پاسخ: مدلول التزامی وعده، عزم بر وفا و بقا آن تا زمان عمل

اشکالی را که آقای خویی و تبریزی مطرح کرده‌اند در صورتی صحیح است که مدلول التزامی وعده را عزم بر وفا به وعده حین الوعد بدانیم اما اگر مدلول التزامی وعده را عزم بر وفا و بقا عزم الی حین العمل بدانیم نه عزم حین الوعد در این صورت در صورت تخلف از وعده کذب صادق خواهد بود و دلیل مطابق مدعا خواهد بود.